نقد «دمان شهریور کودکی» سروده بهنام زندی

کاشی‌های حمام دلدادگان منند

هرمز علی‌پور

«دمان شهریور کودکی» مجموعه شعری است از شاعر معاصر بهنام زندی که در هزار نسخه توسط نشر نگیما به بازار کتاب عرضه شده است. دفتر ۳۰شعر را در ۶۴صفحه شامل است. من تنها به‌عنوان مخاطب حرفه‌ای و علاقه‌مند، البته با خواندن چندباره یا مرتبه کتاب چیزهایی به نظرم رسیده که یادداشت کرده و حالا یادداشت‌ها را که کنارهم می‌گذارم می‌بینم می‌تواند حکم بیداری صرافت باز در خودم باشد و نهایت آنها را در قالب این مجال بیان کنم زیرا نگاه و ربط نظر من با شعر بیشتر متکی بر تجربه و حسی است و مطلقا اهل کالبدشکافی شعر و این کارها نیستم. از عنوان مجموعه می‌توان دریافت که شاعر یکی از پایه یا عمودهای عمارت نگاه و نظر خویش را در پیوند با هستی و زندگی خود و اجتماع زیستی‌اش، «کودکی» نهاده، یعنی عنصری که به‌جای هرچه، آکنده از صداقت و سادگی و سرشاری عاطفه است و پیداست که از این منظر چه توقعاتی برآورده و کدامین در نوعی از دلسردی و غمگینی، اندوه خود را فاش و بیان و با خواننده همراه می‌سازد. کتاب با همه مختصری و لاغری حجم، شامل شعرهایی است که گاهی یکدست و هموار و برخوردار از یک زبان است و گاه دوگانگی زبان در یک شعر باعث تعجب می‌شود، به این معنی که سطر یا مصرع یا بندهایی تصویری و به‌شدت ناب و خالص در همسایگی و مسالمت زیستی با صراحت و سر راستی است. برای مثال: «می‌خواهم صیقل دهم روح را/تا این فریبا/سهمی از میوه‌اش را/ به دندان گردی نکشاند.» (ص۱۷) شعر اول کتاب به نظرم شعر کامل و موفقی است: «زمین گرد است/به هرکجا روی/آغوشم را بازخواهی یافت/این را کوپرنیک خوب می‌دانست/پیش از سوخته‌شدن/میان وعده‌های اسففان دروغین/گلستان کن دوروبرت را/به سحر عشقی که میانمان است» (ص۵) گرچه به‌نظر می‌رسد که سطر «این را کوپرنیک خوب می‌دانست» در واقع انگار حضوری اضافه داشته باشد. در شعر دوم نیز به‌نظر می‌رسد که تصاویر بدیع و نابی را شاعر خلق کرده که هرکدام از آنها می‌توانست به‌خودی‌خود شعرهای کوتاهی را شکل دهد، «افسوس/ که زمین رشک دارد بر زندگان/ و جا برای مردگان... آه، افسوس/که آخرین هویت ما/ سجل سنگی‌ست که به ناممان/ به خاطرمان/ می‌تراشند، / یا مشتی خاکستر/ که بر باد می‌پاشند/.. سرک‌های آخر/ کله‌ها پس از پی/ از شانه‌ای به شانه دیگر/ به تماشای واپسین دم یک انسان» (ص۸، ۹) هرکدام از این مثال‌ها در شعر دوم کتاب می‌تواند اشعار کوتاه و موفقی باشد، منظورم اصلا شعرک، هایکو، طرح و اینها نیست. اما بار تصویری و معنایی آن چنان وسیع است که با خواندن آنها احساس یک شعر خالص و مستقل را خواهی داشت. در جاهایی از مجموعه نیز به ترکیبات و سطرهایی بر می‌خوریم که از نظر اینجانب وجه تمایز یکدست بودن را دارد مانند: «نستوهانه» (ص۱۱)، «سردار بخواند نامه او» (ص۱۳)، «کرمکان» (ص۲۰)، «نوک مگسکان حوصله صیاد» (ص۱۶). اما هرچه به صفحات و شعرهای پایانی کتاب نزدیک‌تر می‌شویم به شعرهایی برمی‌خوریم که بیانگر این می‌تواند باشد که شاعر با همه وجود درصدد سرودن یا یکی‌شدن با شعرهایی است که بتوانند با همه ترافیک و ازدحام نحله‌ها و مدعاهای شعری امروز، تنها به واسطه جان خود شعر و قابلیت‌هایش بخشی از حافظه جمعی شعر ما و در یک کلام شعر معاصر باشد. برای مثال شعر ۲۵ کتاب-البته به جز سطر آخرش- «صبح، عرق کرده بود/ کهیر بسته بود پنجره اتاقم/ پیشانی‌ام خیس، / از بستری که وسعتش از خواب من بزرگ‌تر بود/ هنگام که تو دیگر نیستی/ نمی‌دانم، باران بر پنجره می‌بارد/ یا بر پیشانی‌ام؟ / این تب از رفتن توست/ یا سادیسم طبیعت؟» (ص ۵۴) یا شعر ۲۶ کتاب «... عشاق/ کرکسان مانند/بر لبان معشوقه خویش/خنجر دندان نشانه می‌روند/ آه، کاشی‌های حمام دلدادگان منند» (ص۵۶). به‌طورکل می‌توان گفت که بعضی از اشعار کتاب در حافظه می‌ماند و بارها به آن رجوع خواهد شد، باید منتظر ماند و دید که زندی در کتاب دوم چگونه راهش را ادامه می‌دهد.

چرا کتاب «من این نسل» ارزشمند است؟

ساده‌نگاری نه ساده‌انگاری

بهاءالدین خرمشاهی

آثار بسیاری در جامعه فرهنگی ما منتشر می‌شود که به سکوت از کنار آنها می‌گذریم و این جفاست. کتاب «من این نسل» از آن جمله کتاب‌هایی است که وقتی خواندم حالم خوب شد. خوشحال شدم هم به خاطر نثر آن و هم به دلیل موضوع مهم آن، پی بردم که جفاست اگر به آن توجه نشود. امیدوارم اهلش از این اثر باخبر شوند و حق آن را ادا کنند. این کتاب و نظایرش که کم است باید مبنا و مرجع فکرکردن برای نسل جوان باشد. ما اگر شکاف نسل‌ها را نشناسیم و این رودررویی نسل آرمان‌گرا با نسل واقع‌گرا را نفهمیم، بی‌شک به طرد آنها می‌پردازیم و این نیز باز جفای دیگری است که در حق نسل جوان کرده‌ایم. نویسنده، محمدرضا اسدزاده، اثری متفاوت، با نثری شیوا نگاشته است. در این کتاب، با جسارت و دقت دردهای اجتماعی ما، بیان شده است. به نظرم شور نگارش و شوق نثر را در این اثر می‌توان یافت. حتی اگر به پشت‌جلدنویسی کتاب و مقدمه آن دقت شود، خود گویاست و ارزش افزوده این نوع نگاه و نقد را برای جامعه فرهنگی باید پاس داشت. فکر پاکیزه و نثر پاکیزه نویسنده مرا شاد کرد. باری، وقتی می‌توانیم زیبا بنویسیم که نخواهیم زیبا بنویسیم. من مقاله‌ای دارم با عنوان «ساده‌نگاری نه ساده‌انگاری» که در همان سلسله با نام «قلم رنجه» در مجله بخارا به چاپ رسیده است. آنجا هر نظری که راجع به نثر و نثرنویسی داشته‌ام در ۱۰، ۱۲صفحه آورده‌ام. نثر را نباید برای نثر نوشت. حاشا وکلا که نویسنده «من این نسل» از پس این امر برآمده است. این کتاب بسیاری از اصول نثرنویسی را که من در آن مقاله به آن اشاره کرده‌ام در خود دارد. نثری در خدمت نقد و موضوع اجتماعی قرار گرفته است. اگر بخواهم به صورت کمی نمره بدهم، ادبیات و نثر این کتاب در یک کلام نمره‌ای بالای ۱۷ می‌گیرد. از سوی دیگر این کتاب موضوع مهمی دارد. موضوعی که اساسا یک مساله اجتماعی بزرگ ماست و امروز ما با آن روبه‌رو هستیم. پیش‌تر در مجله چلچراغ مطلبی نوشتم به نام «پدران و پسران» که در برابر هم ایستادن دو نسل را روایت کرده بودم. زیرا پدران در یک جهان ارزشی بار می‌آیند که فکر می‌کنند پسران نیز باید همان‌گونه باشند. امروز از انقلاب، دو نسل می‌گذرد و این نسل‌ها هریک به‌گونه‌ای فکر می‌کنند. البته من جایی جمله‌ای نوشته‌ام درباره این نسل جدید که بی‌رحمانه است. نوشته‌ام که جوانان این نسل، آرزوها دارند اما آرمان ندارند. اما اسدزاده در کتابش هم از آرزوها و هم از آرمان‌ها گفته است. «من این نسل» کتابی نیست که یک هفته مطرح باشد و بعد به فراموشی سپرده شود. کتاب «من این نسل» هم ماندنی است. چراکه معتقدم نویسنده آن انسان خوشفکری است. نثر خوبی دارد که نثرش هم تابع فکر خوبش درآمده است. پیشنهاد می‌کنم خصوصا نشریات جوانان و شبکه‌های مربوط به کتاب و مدیرانی که با جوانان و نسل جدید سروکار دارند، توجه جدی به این اثر داشته باشند. دوست می‌داشتم جزییات بیشتری از این اثر را بیان کنم اما به قول حافظ «گناه وقت پریشان و دست کوته ماست.»

اعتدال‌گرایی و نقد رفتارهای افراطی در «من این نسل»

در ستایش اعتدال

«من این نسل» نوشته محمدرضا اسدزاده، نقدی اجتماعی با نثر ادبی است که به موضوع رویارویی و گفت‌وگوی نسل‌ها می‌پردازد. این کتاب به مفهوم مطرح این‌روزها؛ «اعتدال» می‌پردازد و رفتار جریان‌های افراطی را به نقد می‌کشد. این کتاب در چهار فصل و در قالب داستانی، مسایل اجتماعی را در یک گفت‌وگوی دوستانه مطرح می‌کند و در فصل چهارم طی یک نامه‌نگاری ادبی مسایلی از جمله تظاهر کردن، خشونت، آزادی، دینداری، ادبیات و دوستی از نگاه نسل جدید برای نسل گذشته بیان می‌شود. «من این نسل» تجربه زیسته فرهنگی در دهه ۶۰ و ۷۰ پس از انقلاب است. حاصل اعتقاد و تضادهای این نسل. گفت‌وگوی صمیمانه و دوستانه با آدم‌های تندرو که مرزی برای تعامل و تفاهم نمی‌شناسند. پیش از انتشار این کتاب جمعی از اهالی فرهنگ درباره این کتاب نظرهایی را مطرح کردند. کاظم معتمدنژاد، استاد ارتباطات، کتاب را روایت رنج‌های اجتماعی نسل جدید می‌خواند. شمس آل‌احمد نیز نوشته است: «جسارت قلم و نگاه نقادانه در کتاب من این نسل، به‌خوبی گویای دردهای ماست. چه دردهایی که جامعه روشنفکری کشیده و چه رنج‌هایی که نسل جوان ما خصوصا اهل فرهنگ در این سالیان برده‌اند. جسارت نویسنده مرا یاد سال‌های جوانی‌ام با جلال می‌اندازد. خدا خیرش بدهد.» رضا سیدحسینی که نزدیک به ۱۰ سال پیش کتاب را خوانده بود، نوشته: «کتاب من این نسل را خواندم. امیدوارم هرچه‌زودتر منتشر شود. خوب بود، البته می‌شد بهتر هم باشد. نظرات طرف مقابل این نسل باید در مقابل نسل جدید بیشتر طرح می‌شد که نشده. و اینقدر تند نقد کردن این جریان‌های اجتماعی نمی‌دانم چقدر در زمانه ما قابل تحمل باشد.»

پرویز خرسند نیز درباره «من این نسل» می‌گوید: «این کتاب روایت سه نسل است. برای من جذابیت کار در این است که نویسنده دردهای نسل مرا نیز در کار خود نهفته داشته است. «من این نسل» روایت پرغصه رودررویی دو نسل است. در روزگاری که همه به بهانه‌های گوناگون به خودسانسوری دچارند، بیان شیوای دردهای فرهنگی و اجتماعی ما در این کتاب که نقدی بر رفتارها و کردارهای غلط سالیان گذشته ماست، برای من به‌عنوان یکی از نسل سال‌های ۴۰ که با فکر و صدای شریعتی، بزرگ شد و رویید، هم تازه است هم خواندنی. من این نسل، هم برای نسل من، هم برای آدم‌هایی که در آن نقد می‌شوند و هم برای نسل جوانی که دردها و دغدغه‌هایشان در این کتاب آمده است، اثری مفید و تاثیرگذار خواهد بود.» «من این نسل» با حمایت انجمن ادبی طوطی (انجمن نویسندگان و فعالان ادبی ایرانی در باکو) و بنیاد فرهنگ ایرانی توسط نشر نریمانف در کشور آذربایجان باکو منتشر شده است. با نویسنده کتاب که در سال ۲۰۰۸ جایزه فرهنگی سال پایتخت فرهنگی جهان اسلام در باکو را دریافت کرده است، کتاب را مروری کرده‌ایم.

کتاب «من این نسل» با پرداختن به مسایلی که کمتر در قالب کتاب مطرح یا نقد شده، از برخی مرزها عبور می‌کند. نوع نگارش متفاوتی هم برای کتاب انتخاب شده، نظرتان چیست؟

این مرزها را باید تعریف کنیم. قصد من از نوشتن این کتاب نقد اجتماعی بوده است نه نفی. این را در مقدمه هم آورده‌ام. این کتاب نقد مرزهای بیهوده در برابر دو نسل جدید یعنی نسل انقلاب و نسل جوان بعد از انقلاب است. رفتارهای نسل انقلاب برای بیان آرمان‌هایشان و شیوه بیان این آرمان‌ها موضوع نقد کتاب بوده است. حالا باید این مرزها را تعریف کرد. منظور مرزهای نگارشی است یا مرزهای اجتماعی و خط قرمزهای اجتماعی و فرهنگی.

مسایلی که در کتاب مطرح می‌شود چقدر با مسایل این‌روزها نزدیکی یا زاویه دارد؟

در نقدها و صحبت‌ها به این نکته اشاره شد. از آقای دکتر رضا داوری، رییس فرهنگستان علوم ایران تا استاد خرسند و برخی از نویسندگانی که کتاب را خوانده‌اند که بیشتر به نوع نگاه کتاب اشاره داشتند، برخی هم به نوع نگارش و نثر کتاب. برخی هم اعتقاد داشتند این نسلی که مخاطب نقدهاست، دوره‌اش تمام شده و دیگر به حاشیه رفته است و سخن گفتن از آن یا نقدشان بیهوده است. البته من اینطور فکر نمی‌کنم. تغییر شرایط امروز جامعه از لحاظ اجتماعی و سیاسی هم این را نشان خواهد داد. جریان تندرو و افراطی در عرصه اجتماعی و فرهنگی فعال‌تر خواهد شد. «من این نسل» نقد همین افراطی‌گری و تندروی در عرصه اجتماعی و فرهنگی است. کتاب همین افراد را نشانه گرفته است. درواقع کتاب حاصل یک تجربه زیسته بود. نسلی که پایان جنگ و تحولات اجتماعی پس از آن تا امروز را از نزدیک لمس و اختلاف‌ها و تضادهای نسلی و طبقاتی و ایدئولوژیکی را از نزدیک درک کرده است.

بخش‌های ابتدایی کتاب روان است اما هرچه پیش می‌رود سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌شود.

شاید چون بخش اول بیشتر دیالوگ‌محور است، اینطور به نظر می‌آید و به نثر داستانی نزدیک شده است. ولی بخش‌های بعدی بیشتر اول‌شخص مفرد است و من خواسته‌ام یک سوی این جریان افراطی ضدفرهنگی را به نقد یک نفر از نسل جدید بکشم وگرنه کل کتاب روایت است و نثر روایی غلبه دارد.

چرا در شیوه نوشتن اینقدر تحت‌تاثیر نادر ابراهیمی هستید؟

طبیعتا زیاد. بالاخره بنده سال‌ها شاگرد نادر ابراهیمی بوده‌ام و نوع نثرنویسی را بیشتر با ایشان و استاد خرسند دنبال کردم. سال‌ها با آنها در تماس بوده و کارهایم را به آنها نشان می‌دادم. در شیوه نوشتن سعی کردم از خیلی‌ها بهره ببرم. کل کتاب شاید بیش از ۱۰بار بازنویسی شده است. کلمه‌های جایگزین زیادی را در بازنویسی‌ها پیدا می‌کردم. کار سخت بود چون می‌خواستم از واقعیت‌های روزگاری بنویسم که هنوز در آن هستیم و از آدم‌هایی که کنار ما زندگی می‌کنند.

در متن کتاب بارها تاکید می‌کنید که نسل‌ها باید ادبیات و زبان خودشان را بفهمند و شاید به‌نوعی مشکلات نسل‌های رودرروی هم در این سال‌ها را در ادبیات و زبانشان می‌بینید؟

همه مشکلات زبان و ادبیات نیست. تاکیدم این بوده که باید به یک همزیستی مسالمت‌آمیز برسیم. یعنی تعامل به جای تخاصم فرهنگی و این مقدمه‌اش درک زبان و ادبیات است. ما باید بدانیم که از نژاد یک ملت متمدنی بوده و هستیم و یکی از آثار تمدن ما زبان ماست. بخشی از مشکل جدی جامعه ما این است که زبان هم را نمی‌فهمیم. چون اول به هم گوش نمی‌دهیم. دوم اینکه نمی‌خوانیم. نوشته‌های یکدیگر را نمی‌خوانیم. کلی قضاوت می‌کنیم. مشکلی که درحال حاضر در رسانه، کتاب و در ادبیات متناسب با نسل جدید وجود دارد، این است که یکسویه قضاوت می‌شود. نخوانده نفی می‌شود. و اینها فرهنگ اجتماعی ما را با بحران‌های جدی روبه‌رو کرده است. نگاه ایدئولوژیک بسته در جامعه ما موجبات رشد و بالندگی ادبیات را می‌گیرد. این نقد ایدئولوژی به‌معنی نفی آرمان‌گرایی و نگاه ایمانی و آیینی نیست. وقتی اینگونه حرف می‌زنیم نباید تصور کنید گوینده یک فرد ضد آرمانی یا به قول خودمان ضدانقلاب است. «من این نسل» یک اثر ضدانقلابی نیست. یک اثر انتقادی با تاکید بر اعتدال‌گرایی است. نقد رفتارهای افراطیون است. اعتدال‌گرایی در رفتار و گفتار نسل انقلابی ضرورت زمانه ماست. همان مفهوم «اعتدال» که این‌روزها نسل‌های مختلف روی آن به نوعی هم‌اندیشی رسیده‌اند.

مروری بر کتاب «باغ من تویی» مجموعه اشعاری با انتخاب و ترجمه پرویز دوایی

که شاید نوری بتابد

پارسا ریاحی: اگرچه «پرویز دوایی» بیشتر به‌عنوان نویسنده و مترجم در حوزه سینما شناخته می‌شود، اما در کارنامه او آثاری درخشان در حوزه ادبیات هم دیده می‌شود که کتاب «باغ من تویی»، از جمله آخرین آنهاست. باغ من تویی مجموعه اشعاری است که با انتخاب و ترجمه دوایی و همراه با یادداشتی از «مرتضی کاخی» منتشر شده است. این کتاب، دومین اثری است که در «مجموعه روشن» نشر آبی منتشر می‌شود. کتاب اول این مجموعه «تنهایی پرهیاهو» بهومیل هرابال بود که با ترجمه دوایی به فارسی چاپ شده بود. باغ من تویی، در سه بخش با عناوین «کیستی تو، منِ کوچک من»، «قلب باید بداند. قلب اشتباه نمی‌کند...» و «بر رویاهای من به‌نرمی قدم بگذار...» به چاپ رسیده است. دوایی در یادداشتی با عنوان «در گذر سال‌ها...» درباره شعرهای این مجموعه نوشته است: «در دیدار از کتابخانه بزرگ شهر پراگ، مجموعه‌هایی از اشعار شاعران مختلف، بیشتر انگلیسی‌زبان و در مواردی چند شاعر چک، به دست نویسنده این سطور رسید که در مرورشان بعضی از اشعار، به دلایلی که به روحیه و طبع و سلیقه هر فردی بستگی دارد، برای این بنده نویسنده مشخص شد. در این تمایز، کوتاه و بلند بودن شعر یا شهرت و عدم شهرت نسبی سراینده‌اش آنقدرها دخالت نداشته است که همان گیرایی حسی اولیه و اینکه شعر در لحظه روبه‌رو شدن با آن تا چه حد با خواننده همدل و هم‌آواز درمی‌آید و مستقیم به قلب او اصابت می‌کند... در نهایت و باز بدون توجه به شهرت و سابقه سراینده‌ها، تعدادی از اشعار مشاهیر به این مجموعه راه یافته است، کسانی نظیر یاروسلاو سایفرت (شاعر چک و برنده جایزه نوبل ادبیات)، میروسلاو هلوب و ویتسلاو نزوال (هردو چک)، رابرت فرست، دبلیواچ‌اودن، سیلویا پلات، رابرت گریوز، ای‌ای‌کامینگز، آراس‌تامس، والتر دولامر (همگی انگلیسی زبان) و چند شاعر پراکنده دیگر که شاید در قیاس کمتر شناخته شده باشند، که این نقص کارشان نیست البته. بعدا آشنا می‌شویم!» دوایی همچنین سادگی و غنای این اشعار را هم از دلایل انتخاب آنها دانسته است. او در بخشی دیگر از این یادداشت هم می‌نویسد: «مرور این اشعار امیدوارم هر خاصیت دیگری که نداشته باشد، گذر بعضی شب‌ها را قدری کوتاه‌تر کند (بعضی از شب‌ها بدجوری دیرپا هستند) تا انسان (به قول شاعری در این مجموعه) نیازی نداشته باشد از عابران بپرسد که «تا صبح چقدر راه است»، که شاید (باز به قول شاعر دیگری در همین گروه) دری را بگشاید که هوا تازه شود، که -شاید- «نوری به درون بتابد.» تعدادی از شعرهای این مجموعه پیش از این در چند نشریه از جمله «نگاه نو»، «نقد و بررسی کتاب تهران» و «کلک» منتشر شده بودند. مرتضی کاخی هم در یادداشتی در ابتدای کتاب نوشته است: «پرویز دوایی را پیش از آنکه ببینم با ترجمه کتاب راز کیهان= سال ۲۰۰۱ یک ادیسه فضایی، نوشته آرتور سی کلارک، چاپ ۱۳۴۸، کتاب‌های جیبی، می‌شناختم و ترجمه‌های درخشانش از مجلات سینمایی خارجی، از زبان انگلیسی. وقتی در همان اوان او را در پراگ ملاقات کردم و با هم آشنا و تدریجا دوست و یکرنگ و یگانه شدیم، متوجه شدم که فارسی او- به قول اخوان ثالث که می‌گفت «فارسی مثل مهریه مادری من است»- در چنین حدی است. انگلیسی‌اش تا آنجا که من می‌شناختم و می‌شناسم درخشان است.» در ادامه یکی از شعرهای این مجموعه با عنوان «پراگ»، سروده آراس‌تامس را می‌خوانیم: «پراگ پر از مراسم شکوفان ازدواج ها/ اروپا سنگین بر وجدانم، / به خاطر کارهایی که نکرده‌ام. / راهم را بین ساختمان‌های یک شکل خاکستری/ گم کرده‌ام. / به یاد سرگذشتی افتادم، / که آدم چگونه می‌تواند تبدیل به حشره‌ای شود، / که بار دیگر حضور چکمه‌پوش‌ها را اقتضا کند.»

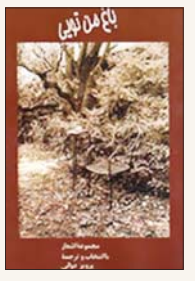

باغ من تویی/ مجموعه اشعار با انتخاب و ترجمه پرویز دوایی/ ناشر: نشر آبی/ قیمت: ۶۰۰۰ تومان

عطف کتاب

تازه‌های نشر ماهی

پرسه‌گردی یک رویاپرداز

«بانوی میزبان» عنوان رمانی کوتاه از فئودور داستایفسکی است که به‌تازگی و با ترجمه سروش حبیبی به فارسی منتشر شده است. سروش حبیبی سال‌هاست که ترجمه ادبیات روسیه را به‌صورت پروژه‌ای پیش می‌برد و مدتی پیش هم «همزاد» داستایفسکی با ترجمه او به چاپ رسیده بود. بانوی میزبان، مثل بسیاری دیگر از داستان‌های داستایفسکی ریشه در زندگی خود او دارد و به نوعی وصف حالی از دوران جوانی داستایفسکی است. قهرمان این داستان، جوانی تحصیلکرده است با نام «اردینف» که ویژگی اصلی‌اش گوشه‌گیری و خیالپردازی است. اردینف بعد از مدت‌ها که در تنهایی زندگی می‌کند، برای یافتن اتاقی به شهر می‌رود و درخشش و هیاهوی خیابان برای او ناشناخته و بهت‌آور است. او در پرسه‌گردی‌هایش، با دختری مواجه می‌شود و احساساتش به جوش می‌آید و بیش از پیش به عالم رویا روی می‌آورد. به‌طوری که حتی مرز میان واقعیت و رویا از میان می‌رود. اما عشق اول اردینف نه عشقی شورآور که جنونی است که او را از پا در می‌آورد. اگرچه بانوی میزبان از جمله اولین آثار داستایفسکی به‌شمار می‌رود اما درخشش‌هایی از شاهکارهای او در این داستان هم دیده می‌شود. این اثر داستایفسکی پیش از این با ترجمه پرویز داریوش و با نام «خانم صاحبخانه» به فارسی منتشر شده بود.

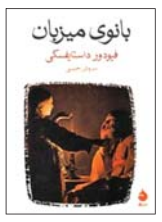

بانوی میزبان
فئودور داستایفسکی
مترجم: سروش حبیبی
چاپ اول: ۱۳۹۲

وجوه اقتصادی – سیاسی هنر معاصر

«هنر معاصر» نوشته جولیان استالابراس، سیزدهمین جلد از مجموعه «مختصر مفید» است که توسط نشر ماهی منتشر شده است. این کتاب در شش فصل با نام‌های «منطقه آزاد»، «نظام نوین جهانی»، «فرهنگ مصرفی»، «استفاده‌ها و قیمت‌های هنر»، «قواعد امروز هنر» و «تناقض‌ها» نوشته شده است. در این کتاب تلاش شده تا بخش‌هایی از وجوه سیاسی و اقتصادی هنر معاصر مورد بررسی قرار گیرد. به اعتقاد نویسنده، گستره بحث و گفت‌وگو درباره هنر معاصر از نشریات تخصصی تا رنگین‌نامه‌های جورواجور و از تفسیرهای محترمانه گرفته تا فلسفه‌بافی‌های بغرنج و تبلیغات چاپلوسانه و بالاخره تقبیح و تمسخر و تحقیر را در برمی‌گیرد. در بخش اول کتاب به این مساله اشاره می‌شود که هنر معاصر در منطقه‌ای آزاد به سر می‌برد که از ماهیت پیش پاافتاده و عملی زندگی روزمره و آداب و ضوابط آن برکنار است. در این منطقه، در کنار تامل آرام و کار روشنفکری، ملغمه‌ای شگفت از نوآوری‌های پرهیاهو، بی‌اخلاقی‌های توحش‌آمیز و اهانت به نظام‌های اعتقادی نیز رخ می‌نماید. همچنین به این مساله پرداخته می‌شود که هنر امروزی با هیچ نظامی به اندازه اقتصاد نولیبرال جهانی مرزبندی ندارد، اقتصادی که مبنای آن تجارت آزاد است و به نحو کامل و موثری طبق قوانین آهنینی عمل می‌کند که موسسات عظیم اقتصادی فراملیتی به شکل ناعادلانه بر ملت‌ها تحمیل کرده‌اند.

هنر معاصر
جولیان استالابراس
مترجم: احمدرضا تقاء
چاپ اول: ۱۳۹۲

پرفروش‌ها

چیزی تو کشو نیست

جواد ماه‌زاده

اگر بیشتر عناوین ستون امروز را کتاب‌های حوزه شعر تشکیل می‌دهند، دلیلش پررونق بودن بازار شعر نیست. برخی از این کتاب‌ها قریب به یک‌سال از چاپشان می‌گذرد و یکی، دو عنوان نیز متعلق به شاعران شناخته‌شده‌ای است که خوانندگان پروپاقرص خودشان را دارند.

خاطرات سیاسی قوام‌السلطنه

«قوام‌السلطنه» در آغاز یادداشت‌های خود پس از شرح مسافرت به مسکو و ملاقات با ژنرالیسم «استالین» نوشته است: «من با یک صفای باطن نسبت به روس‌ها به مسکو رفتم، درحالی که با یک مغز پرتزویر درباره آنها به تهران بازگشتم.» قوام از سیاستمداران تاثیرگذار در تاریخ معاصر ایران بود که با خواندن خاطرات سیاسی‌اش، بیشتر به نقش و تاثیر او در وقایع پایان دوران قاجار و پهلوی اول پی می‌بریم. «غلامحسین میرزاصالح» که سال‌هاست در حوزه تاریخ فعالیت می‌کند و مقالات و کتاب‌های ارزشمندی را درباره دو سده اخیر ایران نوشته است، در این کتاب یادداشت‌های قوام را دستمایه مرور بخش دیگری از تاریخ کشورمان کرده است. شوروی و تجزیه آذربایجان، تشکیل حکومت‌های خودمختار آذربایجان، نخست‌وزیری صدرالاشراف، طرح تجزیه ایران، شکایت ایران علیه شوروی، دکتر مصدق و تمدید دوره چهاردهم مجلس، مذاکره با استالین و مولوتوف، ورود پیشه‌وری به تهران، شرکت رهبران حزب توده در کابینه و سرانجام اعلام جرم بر ضد قوام، از جمله موضوعاتی است که با زبانی ساده و روشن از زبان قوام‌السلطنه بازگو شده است. «خاطرات سیاسی قوام‌السلطنه» را انتشارات معین در ۳۴۸ صفحه منتشر کرده است.

شعر و عکس

کتاب‌های شعری که همراه با عکس منتشر می‌شوند، همچون کتاب‌های دوزبانه هستند. در این کتاب‌ها گاه زبان تصویر با زبان شعر همخوان نیست ولی اغلب مخاطبان خوش‌ذوق، رگه‌های معنایی موردنظر شاعر را با عکس‌های انتخابی – باربط یا بی‌ربط – که روبه‌روی اشعار به چاپ رسیده، پیدا می‌کنند و آن را بسان یک کتاب بالینی یا به‌عنوان هدیه‌ای قابل‌توجه در نظر می‌گیرند. «چیزی تو کشو نیست» مجموعه‌ای است در ۲۲۴ صفحه که با چاپ هنرمندانه انتشارات «حرفه‌هنرمند» منتشر شده و توجه علاقه‌مندان شعر را به خود جلب کرده است. تصاویر انتخابی «شهریار توکلی» اغلب از میان تابلوها و عکس‌هایی برداشته شده که انسان و زندگی امروز انسان، محور اصلی آن است. شعرها نیز محتوایی با همین مضمون دارد و آنها را محمدرضا فرزاد ترجمه کرده است؛ شعرهایی از ویسواوا شیمبورسکا، راجر مگاف، چارلز سیمیک، ولادیمیر هولان و... در پایان کتاب نیز زندگینامه مختصری از شاعرانی که آثارشان در کتاب آمده، درج شده است. از انتشار «چیزی تو کشو نیست» (گزیده‌ای از شعر و عکس جهان) یک‌سال می‌گذرد ولی هنوز در میان پرفروش‌های کتاب است.

پهلوی اول؛ از کودتا تا سقوط

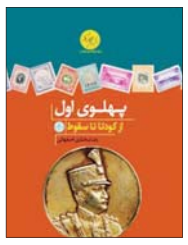

چند هفته‌ای است که پخش مستندی جنجالی از یکی از شبکه‌های برون‌مرزی، بحث درباره عملکرد رضاخان را بار دیگر در محافل و رسانه‌ها داغ کرده است. به‌طور کلی دوره پهلوی اول به لحاظ وقوع اتفاقات جهانی و تحولات مدرن داخلی، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ معاصر ایران دارد؛ دوره‌ای که از پی ناکامی انقلاب مشروطه و در جهت تحقق برخی آمال آن به وجود آمد و برخی نظرها بر آن است که دیکتاتوری رضاشاه و ایجاد ابزار مدرن در کشور به‌عنوان حلقه واسط و گذار از استبداد فردی به دموکراسی لازم بود. کتاب حاضر در هفت فصل، ماجرای روی کارآمدن رضاخان، تشکیل مجلس پنجم، انقراض قاجاریه، تشکیل دولت‌ها و سپس تحولات و اصلاحات دوره رضاخانی را تا زمان سقوط وی بازگو کرده است. کتاب همچنین دارای دو پیوست است؛ کابینه‌های دوره رضاشاه و مصالحه‌نامه املاک به رضاشاه به انضمام اسامی برخی روستاها. «پهلوی اول» نوشته رضا مختاری اصفهانی از مجموعه پژوهش‌های نوین تاریخی نشر کتاب پارسه منتشر شده است.

و عجیب که شمس‌ام می‌خوانند

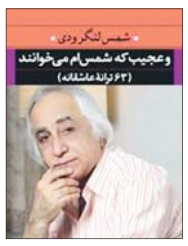

شعر «شمس لنگرودی» هواخواهان بسیاری دارد و کتاب‌های او نیز با فاصله کمی از یکدیگر تجدید چاپ می‌شوند. چنین اتفاقی در وضعیت نابسامان نشر کشور به‌خصوص در حوزه شعر که شمارگان پایینی دارد، مختص همه شاعران نیست و شمس‌لنگرودی جزو انگشت‌شمارهاست. او با بازی با نام خود در عنوان‌بندی کتاب، دفتر نسبتا کم‌حجم و متفاوتی از ترانه‌هایش ارایه داده که عاشقانه‌هایی نغز و کوتاه هستند. خوشبختانه دوره منع چاپ تصاویر شاعران زنده روی جلد کتاب‌هایشان نیز گذشته و تلاقی عنوان کتاب با حالت و ژست شاعر که گویی دارد همین عبارت «عجیب که شمس‌ام می‌خوانند» را به خواننده‌اش بیان می‌کند، فرمی جالب‌توجه به جلد اثر داده است. با خواندن ترانه‌های شمس شاید به این نتیجه برسید که او در حال پاگذاشتن به دوره‌ای تازه است. کتاب را انتشارات «نگاه» منتشر کرده و کم‌کم باید منتظر چاپ دومش باشیم.

تاریخ مرگ

بعضی‌وقت‌ها قرار دادن بریده‌ای از متن کتاب در پشت جلد، کمک زیادی به جلب توجه آن در میان مخاطبان می‌کند. با خواندن پشت جلد این کتاب نیز قطعا خیلی‌ها ترغیب به خریدن و خواندن آن شده‌اند. جایی که نوشته است: «مرگ در قرن بیستم به‌عنوان اصلی‌ترین موضوع ممنوعه شد.» و اینکه «بچه‌ها را به صحنه عظیم وداع در اطراف بستر شخص در حال مرگ راه نمی‌دادند...» این کتاب نوشته فیلیپ آریس و ترجمه محمدجواد عبدالهی، به تشریح نگرش‌های غرب درباره مرگ از قرون وسطا تا امروز می‌پردازد. البته کتاب از جامعیت برخوردار نیست و به یک مقاله مختصر شبیه است ولی در همین اختصار و ایجاز، نمونه‌های تاریخی و شاهدهای متعددی را درباره نگاه به مرگ از زمان قرون وسطا ارایه داده و تصویر جالبی از برخورد با مرده و مردگان در سده‌های گذشته به دست داده است. این کتاب ۱۵۰صفحه‌ای را نشر علم وارد بازار کرده است.